

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

الحاج خلیل الله ناظم باختري
همبورگ - جرمني

شکستِ دل

به استقبال این بیت شیخ الشعراء محترم احمد صديق حيا :

تا توئی در بند تن از عالمِ بالا می‌رس
ای اسیر نفس از روح فلک پیما می‌رس

از گذشت روزگار رفته سر تا پا می‌رس
از فراق میهن از امروز و از فردا می‌رس
گاه در شوق وصال و گاهی در هجران و غم
از امید و ناامیدیهای ما اصلا می‌رس
وای بر مجنون که رنج سنگ طفلان می‌کشد
حال آن بیچاره را از محفلِ لیلا می‌رس
خوبرویان را دلی چون سنگ خا را بوده است
آشکارا بوده است از هیچ کس بیجا می‌رس
آرزوهائی که از یاد وطن در خاک شد
از فقیر و از وزیر، از مُفلس و دارا می‌رس
در دیار غُربت و اندر سرای دیگران
از شکستِ دل صدائی بشنو و از ما می‌رس
مُردن آوارگان هر جا که باشد ماتم است
از سپید و از سیاه از پیر و از برنا می‌رس
ملت افغان ستان چون دُر و گوهر بوده اند
یک برابر بوده اند از عالی و آدنا می‌رس
آنکه در راه خدا سر میدهد جان میدهد
جان به جانان میدهد از عاشقِ شیدا می‌رس

مقصد من از جهاد فی سبیل الله بُود از قومندانانِ قاتل از تفنگ والا مپرس
رهروی دیدم که دل با یک تماشا میبرد از مسلمان و یهود و گبر و از ترسا مپرس
آن یکی در مسجد و آن دیگری در صومعه هر چه می خواهد بخواد بنده دانا مپرس
صنعت و تعبیر و تفسیرش نمیدانم که چیست
جان من از «ناظم» حل این معما را مپرس